

در عراق چه می گذرد؟

گفت و گو با لطف الله میثمی

«لطفاً بگوید در عراق چه می گذرد؟»

□ ابتدا یاد آور می شوم؛ محافظه کاران جدید امریکا در سال ۱۹۹۸ در مانیفستی به نام «پروژه قرن نوین امریکایی» (P.N.A.C)، اشغال عراق را در برنامه خود داشتند (۱) این اشغال دو مؤلفه داشت: نخست، تأمین عرضه نفت در خلیج فارس و دوم، حفظ موجودیت اسرائیل. محافظه کاران جدید در انتخابات سال ۲۰۰۰ بر امریکا حاکم شدند و پس از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، پروژه نئوکانی خود را بر اساسات جریحه دار شده مردم سوار کرده و در پی آن به اشغال افغانستان و عراق پرداختند. اشغال عراق نیز با دو اتهام واهی صورت گرفت: الف - ارتباط بعث عراق با القاعده ب - دارا بودن سلاح اتمی.

در مورد اول بعث لائیکه و نادین محور عراق، به هیچ وجه نمی توانست با القاعده افراطی بنیاد گرا از تباطی داشته باشد و در مورد دوم بر اساس گزارش مأموران سازمان ملل، عراق هیچ گونه سلاح اتمی نداشت، ولی بنا بر اعتراف های جورج بوش و در راستای منافع حیاتی امریکا و حفظ موجودیت اسرائیل، این اشغال باید انجام می گرفت.

«چرا می گوئید اشغال، نه آزادسازی عراق؟»

□ پرسش خوبی است. اگر این مطلب به خوبی شکافته شود اختلاف های نیروهای درون عراق بویژه در انتخابات اخیر روشن می شود. همان طور که می دانید شورای امنیت سازمان ملل با اشغال عراق مخالف بود و این اشغال با رهبری یکجانبه امریکا، حمایت مستقیم انگلیس و... انجام شد.

بنابر این مردم عراق به دلیل «دینسی»، «ملی»، و «حقوق بشری»، در برابر این اشغال مقاومت کردند. مسعود بارزانی طی گفت و گویی خاطر نشان کرد اشتباه سازمان ملل - که افکار عمومی جهانیان را نمایندگی می کند - این بود که «آزادسازی» را «اشغال» نامید و این گونه نه تنها مقاومت شکل گرفت، بلکه هویت و مشروعیت پیدا کرد. اتحاد



علمای اهل سنت عراق آن را اشغالی بدتر از اشغال مغول دانستند، اما کسانی چون جلال طالبانی، مسعود بارزانی، مرحوم حکیم، مرحوم خوبی، ایاد علاوی، مالکی و... که با امریکا و انگلیس در راستای اشغال عراق همکاری استراتژیک داشتند، این اشغال را «آزادسازی» قلمداد کردند، برای نمونه جریان صدر از ابتدا با این اشغال مخالف بودند و امثال نوری مالکی، ایاد علاوی و حکیم را همکار اشغالگران می دانستند.

جریان مقاومت حتی معتقد است که افرادی چون نوری مالکی، ایاد علاوی و حکیم بیشترین بهره برداری را از مرجعیت شیعه در جهت اشغال امریکا کردند، برای نمونه وقتی نوری مالکی در امریکا با بوش ملاقات کرد، دسته گلش بر مزار سربازان کشته شده امریکایی در عراق گذاشت و ابراهیم جعفری نیز در امریکا گفت فرزندان امریکایی ها که در عراق کشته شده اند افتخار ما عراقی ها هستند. زمانی که روزنامه های امریکایی اظهارات جعفری و عملکرد مالکی را با تیر درشت منعکس کردند و در پایین آن جنایات امریکا را در ابوغریب، بمباران خانواده ها و... به تصویر

مسعود بارزانی طی گفت و گویی خاطر نشان کرد اشتباه سازمان ملل - که افکار عمومی جهانیان را نمایندگی می کند - این بود که «آزادسازی» را «اشغال» نامید و این گونه نه تنها مقاومت شکل گرفت، بلکه هویت و مشروعیت پیدا کرد. اتحاد علمای اهل سنت عراق آن را اشغالی بدتر از اشغال مغول دانستند، اما کسانی چون جلال طالبانی، مسعود بارزانی، مرحوم حکیم، مرحوم خوبی، ایاد علاوی، مالکی و... که با امریکا و انگلیس در راستای اشغال عراق همکاری استراتژیک داشتند، این اشغال را «آزادسازی» قلمداد کردند

از بهشت و خرداد ۱۳۸۹

کشیدند، به عمق اختلاف های عراقی ها و حتی شیعیان پی می بریم. نمونه دیگر این که کانون مقاومت نجف با سر کوب یاد علاوی نخست وزیر و حمایت امریکایی ها رو به رو شد و یسا بعدها صدری هادر شهرک صدر و جنوب عراق توسط نوری مالکی و امریکایی ها به آتاکو نیسم کشیده و خلع سلاح شدند.

■ آیا در همکاری استراتژیک با امریکا، تقسیم شیعه و سنی نقش داشت؟

□ همه گروه های شیعه و هم گروه هایی از اهل سنت با امریکا همکاری کردند و گروه هایی از هر دو طیف بودند که مخالف امریکا بوده و هنوز هم هستند. اختلاف خط مشی در عراق بر سر شیعه و سنی بودن نیست، بلکه اختلاف اساسی به همکاری استراتژیک با امریکا در جهت آزادسازی عراق از یک سو و مخالفت استراتژیک با امریکای اشغالگر از سوی دیگر است. در بین شیعیان عراق برخی شیعه جغرافیایی، یا سکولار یا طایفه ای هستند، در بین اهل سنت نیز طیف های مختلفی وجود دارند.

سید محمد خاتمی جنگ با عراق را به طاس لغزنده ای تشبیه کرد که ورود به آن آسان، ولی بیرون آمدن از آن بسیار مشکل است. از آنجا که آقای خاتمی حاضر نشد در بستر خط مشی امریکا قرار گرفته و مهار دو جانبه را به مقابله دو جانبه تبدیل کند، از این رو امریکانه تنها هیچ گونه همکاری با آقای خاتمی نکرد، بلکه بیل کلینتون بدون دلیل و توجیه سیاسی، برای نخستین بار سرمایه گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنعت نفت و گاز ایران را تحریم کرد

علت اصلی نابسامانی های عراق را اشغالگری امریکا و انگلیس می دانند و مسئولیت همه اتفاق ها را به آنها نسبت می دهند. بیشتر مخالفان صدام که در نشست های لندن و واشنگتن گرد هم آمدند به برقراری دموکراسی در عراق و سرنگونی صدام اعتقاد داشتند، حتی آقای احمدی نژاد در سال ۱۳۸۸ گفت ما فکر می کردیم هدف بوش از حمله به عراق، دموکراتیک کردن آن است. وقتی آیت الله سید باقر صدر به دعوت بوش به واشنگتن رفت، مطبوعات نوشتند بدون هماهنگی با رهبران ایران، چنین سفری ناممکن بود. در سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز توسط یکی از مسئولان مطرح شد اگر جمهوری اسلامی با امریکا همکاری استراتژیک نمی کرد امریکانه نمی توانست به تنهایی در عراق موفق شود.

همکاری ایران و امریکا در جریان اشغال افغانستان و عراق مسئله ای است که عمده نشریه ها و سایت های راهبردی به آن پرداخته اند، بعضی آن را به نفع ایران و بعضی به نفع امریکا می دانند، ولی جلال طالبانی رئیس جمهور عراق در سال ۱۳۸۸ گفت امریکا و ایران در عراق به تعادل رسیده اند. شاید بهتر است برای فهم بهتر دیالکتیک ایران و عراق به خرداد ۱۳۷۶ برگردیم؛ در آن مقطع زمانی، خط مشی امریکا در باره ایران و عراق، مهار دو جانبه ایران و عراق بود. پس از پیروزی سید محمد خاتمی آن هم با آرای چشمگیر و شمار قانونگرایی، بیل کلینتون رئیس جمهور وقت امریکا تظاهر به نزدیکی با جریان اصلاح طلب کرد تا شاید بتواند با کمک ایران، استراتژی مهار دو جانبه ایران و عراق را به استراتژی مقابله دو جانبه ایران و عراق تبدیل کند. آقای خاتمی در آن مقطع زمانی حاضر نشد ایران هزینه های امریکا در جنگ با عراق را ایران بپردازد و آن گونه که مطبوعات راهبردی نوشتند، سید محمد خاتمی جنگ با عراق را به طاس لغزنده ای تشبیه کرد که ورود به آن آسان، ولی بیرون آمدن از آن بسیار مشکل است. از آنجا که آقای خاتمی حاضر نشد در بستر خط مشی امریکا قرار گرفته و مهار دو جانبه را به مقابله دو جانبه تبدیل کند، از این رو امریکانه تنها هیچ گونه همکاری با آقای خاتمی نکرد، بلکه بیل کلینتون بدون دلیل و توجیه سیاسی، برای نخستین بار سرمایه گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنعت نفت و گاز ایران را تحریم کرده این تحریم در کنگره بهود اعلام شد. مسلماً اگر این تحریم و فلج کردن دولت خاتمی نبود، عملیه سازی عظیم تری داشتیم و ایران موضوع ترانزیت نفت و گاز بود که امریکا و هم زمان نادانان داخلی نگذاشتند. (۲) اما مخالفان



می کنند. آیت الله سید محمد صادق صدر پس از چندی، مبارزات باقر صدر را دنبال و جوانان زیادی را تربیت کرد که او هم توسط صدام اعدام شد. گفته می شود هنگام اشغال عراق غالب بدنه شیعیان عراق طرفدار خانواده صدر بودند و مقتدا صدر - فرزند محمد صادق - جوان کم تجربه و ملاتشه ای توانست نیروهای آزاد شده را سازماندهی کند و به سرعت به جریانی مخالف اشغال امریکا شود. صدری هادر طیف شیعیان از یک سو و علمای اهل سنت از سوی دیگر مخالف اشغال عراق بودند و در هیچ یک از نشست های لندن و واشنگتن که از سوی امریکا به منظور سرنگونی صدام تشکیل شده بود شرکت نکردند و حتی برخی از عناصر جریان مقاومت اینهار از دور امریکا دانسته و

فقوی ترین و گسترده ترین شکل شیعیان عراق کدام است؟

□ حزب الدعوة به رهبری مرحوم آیت الله سید باقر صدر، مادر همه تشکل ها و احزاب شیعیان عراق است. مرحوم صدر به علت تألیف «فلسفتا»، «اقتصادنا» و «مبانی منطقی استقرانه» و نوآوری های او در این سه کتاب - که به فارسی هم ترجمه شده - در جهان شیعه و سنی طرفداران زیادی داشت.

طرفداران آیت الله سید باقر صدر با اعدام ایشان توسط صدام حسین عمیق تر و گسترده تر شد. آقایان ابراهیم جعفری، آیت الله شاهرودی، سید باقر حکیم، نوری مالکی و... از اعضای حزب الدعوة بودند، می توان گفت اکنون حکومت عراق را اعضای سابق حزب الدعوة اداره

صدام در ایران مانند مجلس اعلا و نیروهای امنیتی - نظامی ایران که هزینه‌های زیادی در جنگ تحمیلی پرداخته بودند، به خط مشی مبتنی بر سرنگونی صدام نزدیک شدند، مذاکرات لاریجانی و نیک‌براون مصداق بارزی از این همکاری است. نیروهای نظامی - امنیتی برای سقوط طالبان به دو دلیل به خط مشی کلینتون و آن‌گاه بوش نزدیک شدند: یکی به دلیل این که آرای چشمگیر مردم با سیاست خارجی پیوند نخورد که مشابه مدل انقلاب بود و دیگری به سبب انتقام از ارتش و حزب بعث عراق به دلیل هزینه‌هایی که طی دفاع مقدس پرداخته بودیم، اما در پی جنگ ۸ ساله با ایران و اشغال کویت و بازگشت ذلت بار ارتش عراق از کویت، مردم عراق نشان دادند که تا چه اندازه با حکومت بعث عراق مخالفند. قیام سراسری مردم بسیار چشمگیر بود، اما به دلیل ترس اسرائیل از تشکیل هلال شیعی علیه اسرائیل بالجستیک ایران و هشدار اسرائیل به امریکا، این قیام خودجوش و مردمی با کمک امریکا و مجاهدین مستقر در عراق با محوریت بعثی هاسرکوب شد.

مردم عراق را چگونه تعریف می‌کنید؟

مردم عراق بیشترین خواننده کتاب‌هایی هستند که در مصر نوشته و در لبنان چاپ می‌شود. سیستم آموزشی عراق در دبیرستان و دانشگاه‌های آنجا پیشرفته است. به دلیل چپ بودن مردم عراق تنها رژیم‌ها و حکومت‌هایی می‌توانستند موقتاً دوام بیاورند که مانند صدام چپ‌نما باشند، زیرا هر کودتایی در این کشور کودتاخیز شکل می‌گرفت، حکومت پیشین را با برچسب سازش با اسرائیل ساقط می‌کرد. هر چند حکومت‌های عراق پس از عبدالکریم قاسم نفتی بودند، ولی مترقی‌ترین و چپ‌ترین شعارها را می‌دادند که بسیار فریبنده بود. صدام در جریان دفاع مقدس به دلیل تأثیرزمنندگان ایران، به گرایش مذهبی مردم عراق به قرآن و نهج البلاغه پی برده بود، از این رو ۱۰ مسجد بزرگ در عراق احداث کرده که به گرایش مذهبی جوانان پاسخ دهد، این در حالی بود که محافل راهبردی امریکا به خود انتقاد می‌کردند که چرا ما فریب سیاستمداران نادین محور را نخوردیم. این محافل تصریح می‌کردند که شناخت صدام از جامعه عراق از شناخت اپوزیسیون عراق درست‌تر بود.

قانون شماره ۸۰ عراق که ۹۵ درصد حوزه‌های نفتی عراق را ملی می‌کرد به دلیل آگاهی‌های مردم هنوز به قوت خود باقی است و قانون نفت جدید به دلیل مغایرت آن با ملی شدن نفت عبدالکریم قاسم هنوز در مجلس تصویب نشده، هر چند تاکنون قراردادهایی معادل ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت بسته شده بدون این که ایران را در این قراردادها

دخالت دهند.

■ آنچه شما درباره مردم عراق می‌گویید چه ارتباطی به مسائل کنونی عراق دارد.

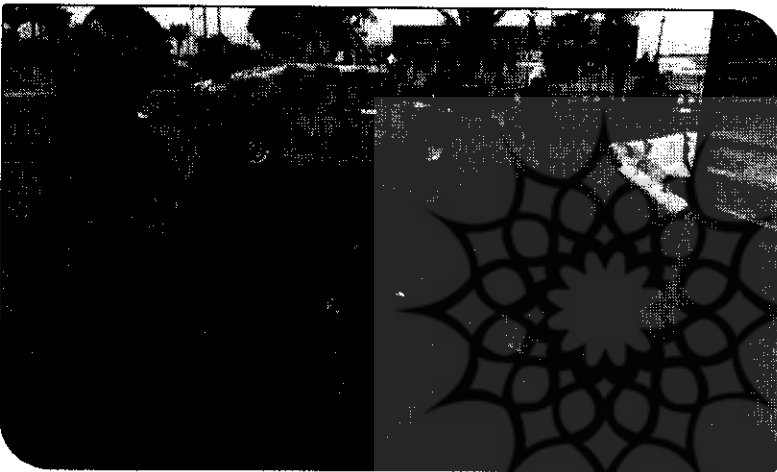
□ می‌خواستم عمق، گسترش و رشد بدنه مردم عراق را تا حدی نشان دهم تا معلوم شود موتور محرک مقاومت عراقی هادر برابر اشغال ویرانگر در درجه اول از درون مردم نشأت می‌گیرد، هر چند کشورهای همسایه نیز با انگیزه‌های مختلف دخالت‌هایی دارند.

از همان روزهای نخست اشغال، ضد اطلاعات ارتش روسیه گزارش‌های فرماندهان امریکایی را شنود می‌کرد که ترجمه آن در روزنامه «یاس نو» منعکس شد؛^(۳) این گزارش مبتنی بر مقاومت سربازان عراقی بود که رابطه‌شان با رده‌های بالاتر فرماندهی قطع شده بود و حتی یک سرباز اسیر

حاضر نشد مصاحبه کند، هر چند صدام در عمل با سوء مدیریت، خشونت‌ها و عملکردهای جنایتکارانه اش ارتش و حزب بعث را به فروپاشی کشانده بود.

یکی از مطبوعات راهبردی امریکا نوشت مردی ۱۰ فرزند داشت که فرزندانش یکی پس از دیگری در جریان مقاومت به شهادت رسیده بودند، خود نیز وصیتنامه‌اش را در نوار ضبط کرده بود و در آن گفته بود به خواست خدا پس از انجام عملیات ضد اشغال با حضرت محمد در بهشت نهار خواهیم خورد.

مقاومتی که در عراق شده تنها ابر قدرت سلطه امریکایی را منقورتر کرده، بلکه محافظه کاران جدید را در امریکا به زیر کشید در این باره کتاب‌هایی نیز نوشته شد. صاحب نظران معتقدند



که اگر این مقاومت نبود شاید مقاومت ۳۳ روزه حزب الله لبنان در ۲۰۰۶ و مقاومت غزه در ۲۰۰۸ در برابر اسرائیل ناممکن بود.

با علم به این بدنه مقاومت است که ویژگی اصلی آنچه در عراق می‌گذرد را می‌توان لمس کرد، برای نمونه همزمان با کانون مقاومت مردم جریان صدری هادر نجف، از یک سو یادعلاوی و ارتش امریکارابه شدت گلوله باران می‌کردند و از سوی دیگر علمای اهل سنت با دادن شهادی زیاد به حمایت همه جانبه از مقاومت شتافتند. همزمان با مقاومت مردم نجف، مردم بصره قیام کرده و سربازان انگلیسی را بیرون رانده و اعلام کردند که اگر مویی از سر رهبران مقاومت نجف کم شود تأسیسات نفت را منهدم می‌کنیم. ۱۲ روز تمام بصره از اشغال سربازان انگلیسی آزاد شده بود، تا این که کاروان حامل آیت الله سیستانی و ظرفداران ایشان که از کویت و بصره به سوی نجف حرکت می‌کردند از شدت و حدت بحران کاست و بصره به حالت پیشین خود

در پی جنگ ۸ ساله با ایران و اشغال کویت و بازگشت ذلت بار ارتش عراق از کویت، مردم عراق نشان دادند که تا چه اندازه با حکومت بعث عراق مخالفند. قیام سراسری مردم بسیار چشمگیر بود، اما به دلیل ترس اسرائیل از تشکیل هلال شیعی علیه اسرائیل بالجستیک ایران و هشدار اسرائیل به امریکا، این قیام خودجوش و مردمی با کمک امریکا و مجاهدین مستقر در عراق با محوریت بعثی هاسرکوب شد

باز گشت. در جریان مقاومت نجف بود که یک هیئت ایرانی برای مذاکره با آنها به بغداد رفت، ولی آنها از آنجا که ایران را همکار استراتژیک اشغالگران می‌دانستند به مذاکره تن ندادند. در پروسه اتحاد در بدنه شیعیان و اهل سنت باید گفت همزمان با سرکوب اول و دوم فلوچه، شیعیان زیادی در حمایت از مردم فلوچه به شهادت رسیدند، بنابراین برای دستیابی به تحلیل درست باید مقاومت در بدنه مردم عراق را به رسمیت شناخت، هر چند در گروه خاصی عینیت ندارد. امریکا تبلیغات خود را با دموکراسی محوری، یا «خاور میانه دموکراتیک بزرگ» آغاز کرد، ولی پس از جندی دموکراسی را به زیان منافع خود اعلام کرد (۲) و فاز «امنیت محوری» را تبلیغ کرد، اما اکنون وارد فاز تجارت محوری شده‌اند، هر چند از ابتدا اهداف نفتی خود را اعلام کردند.

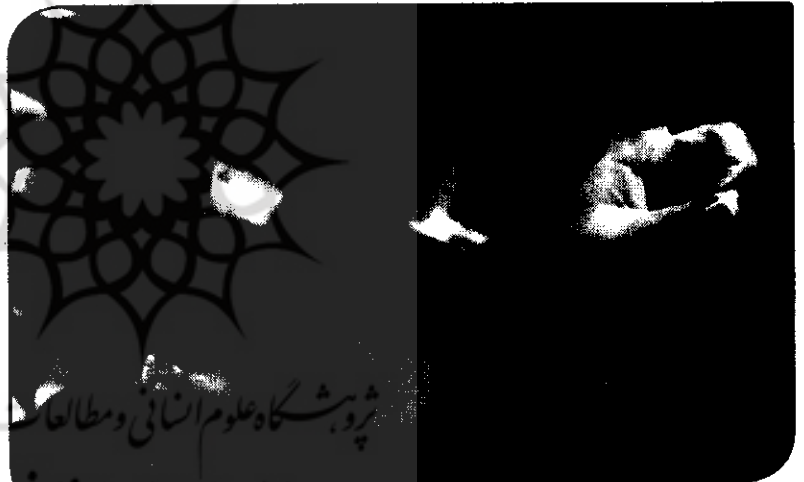
در گزارش بیکر حامیلتون آمده بود بمب‌های کنار جاده آن‌چنان ضربه‌هایی به پیشرفته‌ترین تانک‌های امریکا و انگلیس وارد آورده‌اند که

صدام در جریان دفاع مقدس به دلیل تأثیر رزمندگان ایران، به گرایش مذهبی مردم عراق به قرآن و نهج البلاغه پی برده بود، از این رو ۱۰ مسجد بزرگ در عراق احداث کرده که به گرایش مذهبی جوانان پاسخ دهد، این در حالی بود که محافل راهبردی امریکا به خود انتقاد می‌کردند که چرا ما فریب سیاستمداران نادین محور را خوردیم. این محافل تصریح می‌کردند که شناخت صدام از جامعه عراق از شناخت اپوزیسیون عراق درست‌تر بود

خط مشی، شیعیان عراق نباید شعار «اتلاف یکپارچه شیعه» را می‌دادند، چرا که این شعار هم قدرت شیعه را به رخ اهل سنت کشید و هم این که آنها را ترسانند و به دام کشورهای ارتجاعی منطقه انداخت، بویژه که این شعار از سوی مقامات و روزنامه‌های دولتی ایران تأیید می‌شد و در ذهن اهل سنت، شیعه عراق عقبه استراتژیک ایران تلقی شد. خط امریکا، فرقه‌ای کردن عراق بود و شیعه باید از این خط پرهیز می‌کرد، نه این که به دام آن بیفتد، این در حالی است که بین شیعیان عراق اختلاف‌هایی در حد برخورد مسلحانه وجود داشت. خط مشی اصلی بر سر تأیید اشغال و مخالفت با اشغال است که این استراتژی در بدنه مقاومت است هر چند رهبری با تجربه و معرفی ندارد.

در گفت‌وگویی حجت الاسلام سیدعلی اکبر محتشمی پور با چشم‌انداز ایران (۶) مطرح شد که بهتر بود شیوه نگرش ملی حسن نصرالله در لبنان الگویی برای شیعیان عراق می‌شد. انتخابات اخیر را می‌توان شکستی نسبت به شعار اتلاف یکپارچه شیعه دانست، چرا که این بار نیروها با شعار «قانون»، «نظم»، «ملی» و «العراقیه» وارد صحنه انتخابات شدند که اصلاحی نسبت به سبک کار گذشته بود. اتلاف العراقیه، نیروهای رانده‌شده و ترکش خورده و ترس بر داشته را ساماندهی کرده و در این انتخابات آرای چشمگیر به دست آورد.

به‌طور کلی می‌توان گفت مردم در این انتخابات تن به ساز و کارهای مدنی و انتخابات دادند و روح ملی عراق بدون دخالت امریکا و همسایگان اعم از ایران، عربستان، اردن، مصر و سوریه تقویت شد.



هم‌اکنون برخلاف توطئه، اجماعی بین اهل سنت و شیعه به وجود آمده که کشتن شیعیان و اهل سنت خیانت است و تنها باید متوجه اشغالگران امریکایی و انگلیسی بود. همچنین سران مقاومت استفاده از همه‌نیروهای ملی را ضرورت مبرم می‌دانند. ویژگی دیگر بدنه مقاومت، مخالفت با انحلال ارتش است، عراق چرا که بدنه ارتش عراق ضد صهیونیسم بوده و مشابه آنچه در ایران انجام شد، باید تعدادی از سران ارتش را کنار گذاشت. تنها مشکل بدنه مقاومت، فقدان رهبری با علم و با تجربه است.

«عملکرد شیعیان عراق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟»

□ با توجه به توضیحات پیشین و دارا بودن اکثریت ۶۵ درصدی و اختلاف عمیق در

باید مدتی صبر کرد تا تانک‌های پیشرفته‌تری وارد عراق کنیم یا فیتله حضور در عراق را پایین آوریم، از این نظر بود که هیئت سناتوری ۱۰ نفره‌ای که این گزارش را نوشتند پیشنهاد خروج امریکا را تا سال ۲۰۰۹ دادند. (۵)

بدنه مقاومت دیدگاه‌هایی به شرح زیر مطرح می‌کنند:

تأکید روی استقلال عراق و تأکید روی وحدت شیعه و سنی، به‌طوری که پس از انفجار حرمین در سامرا، مردم سامرا، که از اهل سنت هستند، نخستین تظاهرات را علیه عاملان انفجار ترتیب دادند. اشغالگران با این انفجار سعی داشتند بدنه اهل سنت را با بدنه شیعه درگیر کنند تا به حضور بیشتر خود مشروعیت دهند، ولی

پی‌نوشت:

۱- رویای برتری امریکایی، جورج سوروس، ترجمه لطف‌الحمیمی، نشر صمدیه.

۲- چشم‌انداز ایران، شماره ۱۴، در خزر چه باید کرد؟

۳- برگردان این گزارش هادروزنامه یاس‌نو، به تاریخ ۵، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۱۳۸۲ منتشر شده است.

۴- چشم‌انداز ایران، ویژه‌نامه عراق، پاییز ۱۳۸۳، پیشگفتار.

۵- گزارش بیکر حامیلتون مرکب از ۱۰ سناتور از دو حزب امریکا با عنوان «گزارش گروه مطالعات عراق» که طی ۹ ماه مشترک در عراق به پایان رسید، ترجمه کامل این گزارش

در سایت www.meisami.com آمده است.

۶- چشم‌انداز ایران، شماره ۶، حزب الله و انتخابات لبنان، گفت‌وگو با سیدعلی اکبر محتشمی پور.